

دوره دهم تقيديه

جلسه ۵۲

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۱۵

شماره مسلسل - ۷۳۳

قیمت اشتراك } سالنامه
داخه : ۷۰ ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال
تلك شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۱۵ *

فهرست مطالب

- | | |
|--|--|
| (۱) تصویب صورت مجلس | (۶) شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بقانون مجازات عمومی |
| (۲) شور اول لایحه مجازات جرائم مأمورین مؤسسات عام المنفعه | (۷) خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع با اجازه تعقیب آقای رضای افشار |
| (۳) معرفی آقایان وزیر امور خارجه و کفیل وزارت جنگ | وزیر اسبق طرق |
| (۴) بقیه شور لایحه مجازات جرائم مأمورین مؤسسات عام المنفعه | (۸) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| (۵) تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه | |

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه ۱۸ فروردین را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفتند - خیر) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - شور اول لایحه مجازات جرائم مأمورین مؤسسات عام المنفعه]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به مجازات جرائم مأمورین مؤسسات عام المنفعه . (بشرح ذیل قرائت شد)

خبر کمیسیون

لایحه لمره ۳۷۲۰ دولت راجع به مأمورینی که در

مؤسسات عام المنفعه و تجریه که تحت نظر دولت است خدمت مینمایند و مرتکب جرائم میشوند در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند با مواد پیشنهادی موافقت شده و با جزئی اصلاحی شور اول آن خاتمه و علیهذا خبر آنرا براساس مجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

ماده ۱ - مأمورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث

* * * عین مذاکرات مشروح بنجاء و دوین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آوریل ۱۳۰۸)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : حاج محمد رضا بهبهانی - حاج ملا محمد بن ملک - منصف - مژدهی - طالش - رحمت سببی - صدیق

مؤید تاشی

غائبین بی اجازه - آقایان : دستاوی - بهرامی - وکیلی - اهلهم زنگنه - حاج محمد بشیر - جلالی - صابقی - درویشانی

انجمن - مصلح سنگ - هدایت

در آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادم - یک پور - شاهمنگ - مسعودی غراسانی - دکتر سببی - مرزا - بهان

صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مأمورین دولتی خواهند بود .

ماده ۴ - محاکمه اداری مأمورین بخدمات عمومی مطابق نظامنامه ای خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء میرسد .

ماده ۳ - مأمورین بخدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمت میکنند .

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولیت آن ها با پادشاه عصر است .

۲ - مؤسسات خیریه که تحت نظارت مخصوص دولت است .

۳ - مؤسسات عام المنفعه که دولت مستقیماً اداره میکنند یا تحت نظر دولت اداره میشود .

۴ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود .

رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بعقیده بنده يك قسمتی از این لایحه مقید است و لازم است تکلیفی از برای آنها معین شود و لیکن يك قسمتی که مشمول کرده اند و مشمول مأمورین خدمات عمومی کرده اند بنظر بنده لازم نیست و اسباب زحمت میشود مثلاً فقره ۲ از ماده سوم که مینویسد : مؤسسات خیریه که تحت نظارت مخصوص دولت است از آن جمله اوقاف

مجهول التولیه است که در قانون اوقاف گذشته اوقاف مجهول التولیه را اداره اوقاف اداره کنند خوب حالا در فلان موقوفه که اداره اوقاف اداره میکنند اگر مباشر آن پنجاه تومان بر داشت خوب باید دیوان جزای عمال دولتی رسیدگی کند در صورتیکه مطابق قوانین عادی باید برود به محکمه عدلیه و در آنجا درش رسیدگی کند و مراجعه دیوان جزا لازم نیست و در اینطور جاها اسباب زحمت برای مردم میشود برای خود دولت هم اسباب زحمت می شود برای این که نمیرسند به این کارها برای اینکه يك محکمه دیوان جزای عمال دولت است در تمام مملکت و بکنفری که مثلاً متصدی موقوفه است چرا به دیوان جزای عمال دولتی

برود ؟ یکی هم مؤسسات انتفاعی که دولت اداره میکند مثلاً در فلان ملک خالصه که دولت اجاره داده یا خودش عمل میکند قنائی بنائی این جور چیزها دارد حالا اگر فلان مقنی صد تومان اختلاف حساب پیدا کرده خوب باید برود در دیوان جزای عمال دولت ؟ در صورتیکه مطابق کارهای معمولی باید برود در محاکم عادی محاکمه شود این است که بنده عقیده ام این است که این توسعه که داده شده نسبت به بعضی قسمتهاش خوب است ولی نسبت به بعضی قسمتها اسباب زحمت برای مردم و اسباب زحمت برای خود دولت است .

رئیس - آقای نقابت .

نقابت - عرض کنم مقصود از این لایحه فقط يك چیز است و آن این است که مختلس یا ثقلب کننده در عوائد و مخارج این مؤسسات مورد تعقیب و مجازات واقع شود تا كنون يك اشکالی داشت قضیه البته تعقیب میشد ولی بموجب مقررات عمومی من باب خیانت در امانت یا من باب کلاه برداری و دانه این دو ماده هم از نظر قضائی خیلی محدود و تنگ بود بطوری بعضی از قضایا را شامل نمیشد در حالتیکه مؤسسات عام المنفعه یا مؤسسات انتفاعی که برای حیثیت عمومی مملکت يك خدمات مهمی را انجام میکنند بایستی که کاملاً مورد توجه و تقییب واقع شود . يك نفر ضابط یا اندیکاتور نویس يك اداره یا يك تقریر نویس يك محکمه که ماهی سی تومان با بیست و پنج تومان حقوق میکیرد در اقصی نقطه جنوبی یا شمالی ایران در مقابل يك قران یا دو قران اختلاس فرساً تعقیب جزائی میشود و به دیوان جزای عمال دولتی جلب میشود و يك مجازاتهای خیلی سختی می بیند در صورتیکه هیچوقت نمیتوانسته است به يك کار دیگری مشغول شود و اجار با حقوق مختصرش باید زندگانی کند ولی مباشر ملک موقوفه از نظر اینکه مباشر این ملک است حقوق صغیر و کبیر و خیرات و مبرات و همه چیز را می بخورد و بالاخره تعقیب هم بشود بعد از آن هم که تعقیب شود يك صورت حساب های

کم و زیادی جلوی انسان می گذارد و بعد هم رویش دفاع میکند این مؤسسات یا تحت نظر دولت اداره میشود چون آن لایحه دولت دامنش وسعتش بود در کمیسیون باین صورت محدود شد که اختصاص پیدا کرد به قسمتی از مؤسسات که تحت نظر دولت اداره میشود از نظر نظارت مستقیم یا اداره کردن مستقیم دولت در آنها در هر حال يك جنبه دولتی پیدا میکند و دولت هم میخواهد بگوید که کاری را که تحت نظر دولت اداره میشود مشمول همان مقرراتی هستند که راجع بکارهای خود دولت است و منظور اساسی تعقیب دزد و مختلس است و این اشکالی ندارد که برود در دیوان جزای عمال دولت بپردازد محاکم عمومی محاکمه شود و از نظر تعقیب فرقی نمیکند .

رئیس - آقای مؤید احمدی .

مؤید احمدی (مخبر کمیسیون) - چون در کلیات لایحه است آقای دکتر هم بیاناتی فرمودند بنده لازم دانستم که اولاً نظر کلی دولت را از آوردن این لایحه به عرض برسانم بعد در اطراف موضوعی که فرمودند و آقای نقابت هم جواب دادند بحث کنم . عرض کنم مستخدمین دولت دو قسم محاکمه میشوند يك قسم راجع است به تخلفات اداری و آن مطابق قانون استخدام معین شده است که مستخدم دولت اگر چنانچه مرتکب خلاف قاعده و ترتیبات اداری شد آن را محاکمه کنند و ترتیب محاکمه اش هم در قانون استخدام کشوری معین است که سه نفر که از او رتبه اش بالاتر باشد قاضی میشوند بکنفر هم مدعی العموم و آن ادعائیکه بر او دارند اقامه میکنند مجازاتهای هم برایش معین شده از قبیل توبیخ کسر حقوق انصال موقت و تنزل رتبه تا انفصال ابد از خدمات دولت این يك قسم . يك قسم دیگر هم مستخدمین محاکمه میشوند که اگر در ضمن عمل اداری مرتکب جنحه و جنایاتی شدند اختلاس کردند ارتشائی کردند آتوقت میرود به محکمه جزای عمال دولت و مطابق قانون محاکمه و مجازات میشود ولی يك قسم مستخدمین دولت دارد که شامل قانون استخدام نیستند

لکن از دولت حقوق میکیرند و آنها تا بحال نه ترتیب محاکمه اداریشان معلوم بوده است نه ترتیب محاکمه عمومیشان مثلاً فرض بفرمائید آستانه مقدسه حضرت رضا علیه السلام که تولیتش با شخص اعلیحضرت همایونی است البته يك اداره بزرگی است مستخدمینی دارد حقوق کزافی دارند لکن اگر يك خلافی مرتکب شدند این را باید کجا محاکمه کرد و تا بحال نبوده است این است که دولت این لایحه را به مجلس آورده است برای محاکمه آنها برای هر دو قسمتش قسم اول را در يك نظامنامه که در قانون معین شده است که دولت يك نظامنامه بنویسد برای محاکمه اداری آنها که مطابق آن نظامنامه محاکمه اداری شوند و اگر خدا نکرده مرتکب جنحه و جنایت شدند ارتشاه و اختلاس کردند این میرود به محکمه جزای عمال دولت مثل سایر مستخدمین اما يك قسمتی که راجع به اوقاف در لایحه دولت بود و تصور میکنم همان است که نزد آقای دکتر هست (دکتر طاهری - خیر خبر کمیسیون است) عرض کنم که اصلاحاتی در ماده شد مخصوصاً ملاحظه میفرمائید که در آن شق مؤسسات خیریه که تحت نظارت مخصوص دولت است در لایحه دولت این نبود در لایحه دولت بود که مؤسسات خیریه که دولت نظارت دارد این بعضی که فرمودند در کمیسیون هم مذاکره شد که دولت بر کل موقوفات نظارت دارد و مطابق قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته لازم می آید که اگر متولی هم تخلفی کرد تعقیب شود . در این قضیه البته نظر دولت این نبود با آقای وزیر عدلیه مذاکره شد و موافقت فرمودند که نوشتم موقوفاتی که در تحت نظارت مخصوص دولت است آنها را که دست دولت است البته مستخدمینی دارد و اگر چنانچه خلاف اداری کردند مطابق نظامنامه محاکمه میشوند اگر تخلف جنائی کردند و جنایت و جنحه عمومی مرتکب شدند آتوقت میرود به محکمه جزای عمال دولت .

رئیس - آقای عراقی .

بیان فرمودند و چه دو قسمتی که آقای مخبر محترم فرمودند هیچکدام آنها را بنده واقع اشکال ندانم اشکال این است که دولت اصلاً يك حق حاکمیت دارد نسبت به ادارات خودش يك دیوان جزای عمال دولت البته باید داشته باشد که هر يك از مأمورین دولت که اختلاس کردند ارتشاء کردند البته مطابق قوانینی که هست همانطور محاکمه کنند ولی يك قسمتی اینجا نوشته که مؤسسات خیریه که تحت نظارت دولت است يك کسی فرض کنید که مستأجر این مؤسسات خیریه شده يك کسی جور دیگر اینها جزء مستخدمین دولت که مالزای رتبه و کمترت باشند اینها را نمیتوان تحت این عنوان آورد وقتی که نشود تحت این عنوان آورده باید برود جزء محاکمات عمومی که شامل همه مردم است مثلاً فرض بفرمائید يك کسی در يك فتانی که مربوط به مؤسسات خیریه است کار میکند چهارده قران باقی پیدا کرده حالا که چهارده قران باقی پیدا کرده چه طور میشود او را در دیوان جزای عمال دولت محاکمه کرد. البته حق حاکمیت دولت باید محفوظ باشد ولی در کار های خودش ولی يك چیزهایی که راجع به مؤسسات خیریه است باید مثل محاکمات عادی باشد و برود به محاکمات عدلیه و این جوابی را هم که آقای نقابت و آقای مخبر فرمودند بنده مقنع نمیدانم.

ولیر عدلیه (آقای صدر) - گویا ذهن آقایان يك قدری دور رفته است که اشکالی تصور فرمودند در این باب اولاً تمام اینها چه قسمت ۱ و ۲ و ۳ و ۴ عنوان مؤسسات است. مؤسسات یعنی يك تاسیسی که دارای يك اساسنامه است شرایط دارد مقرراتی دارد که در آن مقررات و در آن شرایط دولت نظارت دارد یعنی يك اداره است يك مستخدمین موظفی دارد مستخدمین موظف غیر از مستأجر است یا مزدور یا متصدی یا مثولی آنها را هم حقوق مشخص بر آنها اطلاق نمیشود مستخدم کسی است که حقوق میگیرد از طرف يك مؤسسه یا از طرف يك اداره اگر اسمش شد اداره دولت این شخص میشود مأمور دولت اگر مؤسسات خیریه بنا اتفاقاً است که مالزای يك

اساس نامه است و دارای يك شرایط و مقرراتی است که آن شرایط و مقررات بنظر دولت رسیده است مثلاً فرض بفرمائید که مثل مؤسسه تلفون يك شرکتی است ولی این شرکت يك مؤسسه است (حالا این را نمیکویم شامل آن است برای این که مؤسسات خیریه منظور است) ولی دارای يك مستخدمینی است آنها هم يك تغلفاتی میکنند تغلفات آنها هم يك وقت اداری است يك وقت عمومی هم دو قسمت است يك قسم است که از هر کس سرزند مثل دزدی و خیانت در امانت جرم است ولی يك جرائمی است که جز نسبت بمأمورین و مستخدمین فرض ندارد مثل ارتشاء ارتشاء نسبت بمأمورین دولت جرم است ولی نسبت به افراد جرم نیست مثلاً اگر کسی پولی از کسی بگیرد که يك جنس خوبی از آن صاحب دکان برای او بخرد این که رشوه نیست و قابل تعقیب نیست رشوه جز در مورد مأمورین دولت دیگر جایی فرض ندارد این جا میخواهیم که نسبت به مستخدمین این مؤسساتی که ذکر شده اگر مرتکب این قبیل جرائم و اعمال شوند نسبت بآنها جرم باشد و قابل تعقیب باشد پس آن چیزهایی که بنظر آقایان آمده است که مستأجر موقوفه و شخص مزدور یا مثولی هیچیک از اینها وارد نیست و همان مستخدمین مؤسساتی است که ذکر شده (صحیح است)

رئیس - آقای دکتر طاهری - با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند البته اشکال این لایحه کمتر میشود معذک بنده معتمد که بیشتر مذاکره بشود تا امثال و نظائری که منظور این لایحه است توضیح داده شود که چه چیز است مثلاً در فقره سه مؤسسات خیریه که تحت نظارت مخصوص دولت است يك سریشخانه است مثال میزنم مثلاً سریشخانه نوریه کرمان حالا میخواهد آنها را اداره کند حالا چنانچه محاسب آنها یا آشپز یا ناظر آنها یا پرستار يك مسئولی بکنند حالا بایستی بیاید دیوان جزای عمال دولت و بنظر بنده لازم نیست و باید برود عدلیه پس عدلیه مگر

برای چیست؟ دیوان جزای عمال دولت يك محکمه دارد آنها هم مرکز و اگر ما این را توسعه بدهیم که در هر جای مملکت تغلف اعضای آن مؤسسات به آنجا مراجعه شود هم برای محکمه اسباب اشکال میشود و هم برای متهم و هم برای آن مؤسسه عرض کردم مثلاً ناظر خرج سریشخانه نوریه کرمان پنجاه تومان کسر آورد این اگر برود در عدلیه کرمان و به آنجا احاله شود بهتر است تا این که بیاید به دیوان جزای عمال دولت در طهران بنظر بنده اگر همانجا احاله شود مامنی ندارد و بهتر است و زود تر هم تصفیه میشود این بدبخت هم از بین نمیرود و الا اگر بخواهد بیاید این جا تیره هم بشود تازه یکسال طول دارد البته مؤسساتی که خود دولت تاسیس کرده است یا تولیتش با شخص اعلی حضرت همایونی باشد یا خود دولت حقوق بدهد مثل ادارات دولتی است حقوق میدهند و باید همانطور هم رسیدگی بکارها و تغلفات شان بشود و تا دیوان جزای عمال دولت هست (و صلاح هم هست که باشد) بآنجا مراجعه کنند ولی وقتی که مقضی شد که مأمورین دولت هم مثل سایر مردم محاکمه شوند و این دیوان هم مشعل شود که آنوقت مثل مردم دیگر میمانند لکن اگر حالا این تعمیم را بخواهیم بدهیم بمؤسسات انتفاعی دولت دولت همه کار میکنند زراعت میکنند - فلاحت میکنند خالصجات را اداره میکنند بعد می آیند و از قانون محاسبات عمومی خارج میشوند که مثل يك مالک عادی باشد و اشکالی برایش نباشد خودش زراعت کنند مافی بیاورد استخدام کنند. حال اگر برای این کار قنات فرضاً مافی صد تومان اختلاس کرد پنجاه تومان اختلاس کرد این چرا باید برود بدیوان جزای عمال دولت و بمحکمه عمومی برود؟ بنظر بنده این برای خود دولت موجب زحمت میشود و اگر چنانچه اینجا مذاکره بشود و چیزهایی که مورد احتیاج آوردن این لایحه شده است بهتر معلوم شود بنظر بنده بهتر است که در مورد کمترین بود در ایام برای دولت هم اشکالی ایجاد نکند و هم مردم دیوان جهت در يك زحمت بیفتند.

رئیس - آقای میرزائی - بنده با این لایحه اصولاً موافقم و بسیار خوب لایحه است ولی میخواستم عرض کنم که این در موضوع باید با هم توأم باشد همان طور که برای مستخدمین نظامنامه و قانونی وضع شده است مجازات و تشویق هر دو با هم هست این جا هم که مجازاتی فعلاً برای این قسمتهای پیش بینی کرده اند و لایحه اش مطرح است خیلی خوب بود که يك نظامنامه و يك قانونی هم برای اینکه امیدواری اعضای این مؤسسات عام المنفعه را هم فراهم نماید میآوردند که همانطور که مجازات دیدند وقتی که خیانت از شان سرزد از آن طرف هم امیدوار باشند که اگر خدمتی کردند آنوقت هم يك پاداشی خواهند یافت. دیده شده است که يك نفر با همان حقوق چندین سال در يك مؤسسه باقی مانده است در حالتی که حسن خدمت هم داشته و صرفاً چون رئیس آن اداره یا مؤسسه میل باو نداشته تشویقی از او نشده است و اگر میشد که واقعاً يك نظامنامه و قانونی مرتب میشد که امیدواری اعضای مؤسسه عام المنفعه را نیز جلب میکردند خیلی خوب بود و بموقع بود.

ولیر عدلیه - بنده توضیح خیلی مختصری میخواهم عرض کنم و تمنی میکنم که آقایان هر کدام نظری در مواد این لایحه دارند پیشنهاد بدهند تا در کمیسیون برای شور دوم که مجال بیشتر داریم بتفصیل صحبت شود و هر کدام از آقایان که میل دارند بکمیسیون تشریف بیاورند تا مذاکره کنیم. اجمالاً موضوع اینست که هر چیزی مؤسسه یا شرکتی در این مملکت باراده چند نفر تشکیل میشود و بعد از چندی هم منحل میشود مثل شرکتهای نیکه همه آقایان دیده اند بمیل اشخاص درست میشد و زود منحل میشد و يك بد نامی هم برای مملکت میماند مال مردم هم از بین میرفت و محیف و میل میشد جهت آن هم این بود که اولاً اساس کار استحکام نداشت استحکام مبنای در درجه اول است که باید ثبت شود هر شرکتی هر مؤسسه باید ثبت شود تا رسمیت پیدا کند

وقتی که رسمیت پیدا کرد دولت اعلان میکند که این دارای اعتبار است یعنی این دارای حیثیت است این دارای رسمیت است و مردم هم باعتبار آن اعلانی که دولت میکند و رسمیتیکه بآن شرکت میدهد اگر قرض بخواهد بهش میدهند کمک بخواهد میکنند احتراماتشرا منظور میدارند چون رسمیت دارد و این در وقتی است که قانون اجازه بدهد، همینطور کسانی که اسباب اختلال آن مؤسسه واقع میشوند تحت مجازات دربیایند، ولی اگر بمیل خودشان باشد همان طورها بود که داشتیم اگر خوب بود که داشتیم پس مقصود تأسیساتی است که از برای مملکت وجودش مفید باشد و ضروری باشد و ثبات داشته باشد و اعتبار داشته باشد حالا آقای عراقی میفرماید که یک قانونی که وقف کرده است دولت نظری ندارد میخواستند وقف کند میخواستند وقف نکند آنرا دولت هیچوقت نظری درش ندارد و همچنین یک وقفهای خصوصی یا یک چیزهای خصوصی که دولت هیچوقت در آنها نظارت نداشته و اسمش هم اصلاً مؤسسه نیست این جا مطلب سالبه بانقضاء موضوع است مؤسسه یک چیزی است که عام المنفعه باشد یک تأسیسی باشد که وجودش ضروری باشد و همچنین مؤسسات انتفاعی دولت صدق می کنند یک اداره یا یک مؤسسه انتفاعی و عام المنفعه فرق نمی کند فرض بفرمائید در یک دفتر دولتی دفتر دار دزدی بکند یا فرض بفرمائید دفتر دار کار خانه قند کرج دزدی بکند همان ضروری را که این جا دارد همان ضرورت آنجا هم دارد و اما اینکه فرمودند آقای میرزائی که یک تشویق از آنها بشود این تشویق دیگر دست دولت نیست دست مؤسسه است که میخواهد هر مستخدمی که خوب خدمت کرد او را تشویق کند و این مربوط بکار دولت نیست.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - فرمایش آقای وزیر عدلیه بنظر بنده یک قدری مطلب را روشن و واضح کرد و آن کتبکی قانون تا حدی رفع شد ولی بنده در قسمت ماده چهارم و مؤسسات انتفاعی خواستم آقای وزیر عدلیه بکندری

چه بسا هست دولت يك مؤسسه تأسیس میکند و از بودجه مملکت حقوق نمیدهد به آن و از منافع خود آن مؤسسه حقوق میدهد و جمع و خرج آن مؤسسه علیحده است شاید مثلاً مؤسسه راه آهن اینطور بشود و بعضی دیگر از مؤسسات که اینطور است اما مثال اداره خالصه را که زدند آن اینطور نیست برای اینکه آن جزو وزارت مالیه است و مستخدمین آن هم مستخدم وزارت مالیه هستند یعنی مأمورین دولت هستند ولی مستأجرین که مأمور نیستند مأمور کسی را میکوبند که حقوق از خزانه دولت بگیرد یا از مؤسسه دولتی بگیرد از بودجه بلدی مثلاً تقریباً شبیه میشود مثل مؤسسات بلدی که تشکیل میشود - اما مؤسسات انتفاعی دیگری که تحت نظر دولت اداره می شود ممکن است مثل بزنیم مثل مؤسسه حمل و نقل یعنی مؤسسه برای حمل و نقل البته این مؤسسه هم دارای سرمایه خواهد بود و ممکن است بیشتر سرمایه اش را دولت بدهد و ممکن است که مشارکت داشته باشد ممکن است خود مردم هم بدهند ولی دولت در تشکیلات او نظر میکند زیرا حمل و نقل یک چیزی است که دولت نمیتواند تحت نظر خودش بگیرد و بهتر ترتیب که میل مردم است و بهر گزایه که میخواهند بگیرند و بروند یا نروند، یک راه بروند یک راه نروند، برسانند یا نرسانند هر روز میخواهد برود هر روز نخواست برود اینطور نمیشود و این مؤسسه حمل و نقل یک مؤسسه است که تحت نظر دولت اداره میشود و در تأسیس آن مؤسسه دولت نظر دارد و دخالت میکنند و اداره میکنند آن هم مثل یکی از ادارات است که اگر مستخدمینش یک تخلفاتی کردند از وظایف اداری البته اساسنامه دارد و مقررات دارد و شرایط دارد برای هر امر مجازاتی دارد و البته باید وظیفه ذکر بشود بعد از آن مطابق قانون گفته میشود که هر کس از این وظیفه تخلف کرد مجازاتش این است یا اداری است یا عمومی است در هر صورت این را ممکن است در کمیسیون مذاکره کرد و پیشنهاد داد در آن جا مذاکره می شود و ممکن است بیشتر مذاکره او توضیح داده شود.

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - بنده عقیده ام این است که ما باید مجازات نامه را برای اشخاصی بیش بینی کنیم که عمال دولت هستند و حقوق برای شان معین می کنیم وقتی که ما بودجه می نویسیم در بودجه مملکتی معین میکنیم که وزارت خانه دارای فلان اداره و فلان اداره و فلان مؤسسه است اگر اینها باشد البته باید بجزای عمای دولت مجازات شوند وزارت خانه هم مدیر دارد، وزیر مدیر است اما اینکه کارهای عمومی را هم شامل کنند کارهای عمومی انتفاعی یک نفر مستأجر مثلاً میفرستند فلان جا زراعت کنند یک نفر دیگر با این شخص غرض دارد میرود میگوید که این خیانت کرده است در فلان جا و این کار تمام مردم را متزلزل می کند این کار شبیه بکار شخصی است آقا اگر نوکر من آمد و دزدی کرد و پول مرا برد خوب مثل سایر اشخاص است دیگر میرود بمدلیه و من حقم را ازش می گیرم دیگر چه احتیاجی است که آن را بدیوان جزای عمال دولت بفرستیم و این اسباب زحمت مردم می شود و مردم را متوحش میکنند، کارهای عمومی مستخدمین دولت و اداراتی که دولت و قانون، خودش درست میکنند باید برود بدیوان جزا اما این جا کارهایش باید برود بمحاکم عمومی و بنده عقیده ندارم که مردم را اینطور مجازات کنند.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای وزیر عدلیه در ضمن دفاعی که از لایحه فرمودند یک اشاره فرمودند باینکه اگر میخواستیم مثل سابق باشد که بود و البته باید از روی قاعده و ترتیب مؤسسات هم جوری باشد که اعتماد و اطمینان پیدا شود وقتی که شرکتی را میاورند ثبت میکنند و دولت ثبت آن را اعلام می کند که این مؤسسه باین ترتیب است و دارای این اعتبار است تا مردم به او اعتماد پیدا کنند و بدانند که بمیل دوسه نفر خراب نمیشود و این مؤسسه از بین نمیرود و قانونی است بنده می خواستم استفاده کنم از این موقع که چقدر خوب شد آقای رئیس الوزراء هم تشریف دارند که این مطالب را عرض کنم که ما هیچ نظری بسابق نداریم که

توضیح بیشتری بفرمایند که مقصود چه چیز است از مؤسسات انتفاعی؟ البته مؤسسات انتفاعی است که دولت خودش اداره میکند همانطور که فرمودند مثل کارخانه قند کهریزک یا کارخانه قند کرج یا انحصار دخانیات یا تریاک اینها مؤسسات انتفاعی هستند عمالی هم که در آنها هستند از مستخدمین هستند و از دولت حقوق میگیرند یعنی بکعده مستخدمین رسمی هستند و یک عده هم کنترانی هستند و اینها بعقیده بنده مشمول قانون مجازات و استخدامی دولت هستند چون مستخدمی هستند که از دولت حقوق میگیرند ولی این جا مؤسسات انتفاعی دیگری که مورد نظر بوده است این را بنده برایش معلوم نشد که مقصود چیست مقصود مؤسسات انتفاعی مثل شرکت هائی است که دولت در آنها سهام دارد یا شرکت هائی است که دولت تمام را شخصا خودش اداره میکند یا خالصجات انتفاعی است چون اینها هم یک اداره است که دولت در آنها عمل میکند و بکعده مأمورینی دارد که البته عمال دولت هستند و پول میگیرند از دولت و مشمول قوانین راجع بمستخدمین دولتی هم هستند ولی اشخاص دیگری هم در خالصجات دولتی عمل میکنند مثلاً همانطور که گفته شد مستأجر و غیره که ممکن است آنها راهم مشمول این ماده کرد ولی توضیح فرمودند که اینها مشمول این قسمت نمیشوند در حال اینهم بعقیده بنده این ماده خیلی مختصر است و توضیحاتی را که آقای وزیر عدلیه میفرمایند این ماده را تکمیل میکند و همانطور که فرمودند پیشنهاداتی هم بر آن میشود که برود بکمیسیون و مذاکره میشود و تجدید نظری در ماده میشود و بهتر حل میشود و مطلب از قانون درک می شود که بالاخره منظور چیست

وزیر عدلیه - در این قسمت چهارم دو قسم مؤسسات

داریم یکی مؤسسات انتفاعی دولت و یکی هم مؤسسات انتفاعی که تحت نظارت دولت اداره میشود مؤسسات انتفاعی دولت غیر از ادارات دولتی است و فرق دارد با هم

سهل است اگر بخواهند بزور هم آن نظریات سابق را بما برگردانند نمی‌شود (صحیح است) چون کسیکه يك انتفاعی برد دیگر ممکن نیست از آن انتفاع صرف نظر کند (صحیح است) ما در چهارده سال پانزده سال پیش خوب قضایا برمان مسلم است و جلوی نظر تمام آقایان نمایندگان مثل يك تابلوئی است که هر شب برای خودشان قیاس میکنند دیروز را با امروز و امروز را با فردا و فردا را با امروز و البته تصدیق دارید همان طور که دولت نظریه اش راجع بسابق خیلی تغییر کرده است مثل ما چون دولت هم از جنس ما مردم است ما هم نظریه مان تغییر کرده است. يك نفر ارتقاء طلب پیدا شد که مملکت را از حضيض ذلت نجات داد و بفضل خدا به اوج عزت آورد (صحیح است) از این جهت ماها هم خودمان را موظف میدانیم که همه ارتقاء طلب باشیم و همه حواسمان متوجه در این قسمت باشد و ما ترقیات را زیادتر از این دلمان میخواهد نه اینکه خیر متقاعد بشویم باینکه الحمدلله امروز که وضعیات خوبست و دیگر ما نظری نداریم خیر ما نظیرمان همیشه بارتقاء است این است که يك قانونی اگر می آید آنچه بنظر مان می رسد که راجع به ارتقاء است حرف میزنیم حالا يك قانونی می آید ما فکر میکنیم خوب پریروز هیچ مؤسسه نداشتیم و امروز که الحمدلله داریم و روی اغراض هم بهم نمیخورد در این قانون اگر نظریه داریم لگوئیم خیر ما در این قانون هم هر نظریه که داریم میگوئیم و افتخار میکنیم که نظریه خودمان و هر چه فکر میکنیم روی نظر و دنبال عقیده قائد عظیم الشان خودمان است. (صحیح است).

رئیس - آقای کاشف

کاشف - اشکالی که برای بنده در لایحه ابتدائاً بود و حالا در نتیجه توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند يك قدری تأیید شد و بعقیده بنده قدری نقض غرض میشود. موضوع مؤسسات انتفاعی را بنده در بدو امر تصور کردم مؤسسات دولتی است با مؤسسهائی است که اعضا و اجزاء

آن را دولت انتخاب میکند یعنی از بین اعضای دولتی و باز این يك مطلبی بود که اعضای هستند از اعضای دولتی و بر طبق قانون استخدام از يك اداره منتقل میشوند برای يك کار انتفاعی ولی توضیحاتی را که آقای وزیر دادند این نظریه بنده قوی شد که موضوع شرکت ها هم مشمول این ماده هستند و از طرف دیگر هم چون مقررات است که کلبه امور تجاری و صنعتی بمنوان شرکت بیرون بیاید و يك شرکتهائی اداره بکنند از نقطه نظر اینکه معایبی که از نقطه نظر اغراض انفرادی در قضایای صنعتی و تجاری هست رفع شود بنده تصور میکنم که همین شق کافی است که همه آنها را بهم بزند تصور بفرمائید که يك اشخاص آزادی وقتی که وارد میشود برای پیشرفت يك مؤسسه وقتی میبینند اشکالاتی برایشان هست و ممکن هست يك روزی بریشان راجع بشوند و اینطرف و آنطرف ببرند البته هیچوقت حاضر نمیشوند آنها در موقعیکه ماهنوز خیلی يك اشخاصی را برای اینکه بتوانند يك همچو شرکت هائی را اداره کنند نداریم مثلاً آقا مثل زدند به شرکت تلفن آنجا يك مؤسسه آزادی است و نباید مشمول این قسمت بشود و حالا که بناست تمام امور بشکل شرکت در آید همه شامل این ماده میشود و دیگر دیوان جزای عمومی عدلیه معنی ندارد و یا از بین میرود و بنده نظری که دارم و امیدوارم که آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند در مؤسسات یعنی شرکت هائی که تشکیل میشود روی اصول بهبودی اوضاع اقتصادی و صنعتی مملکت اینها بعقیده بنده نباید شامل این قسمت باشد و البته ولو این که نتیجه این نباشد که ما تصور میکنیم ولی اشخاصیکه وارد میشوند از نقطه نظر پیشرفت امور بعضی اینکے يك اشکالاتی را به بینند جلو نمیرود و شاید اینها هم که هستند عذر بخواهند.

وزیر عدلیه - بنده کم کم میخواهم محتاط بشوم در صحبت برای اینکه می بینم بعضی از آقایان يك قدری گوش نمیدهند و سوء تفاهم چه بود برای اینکه مثال برای تقریب بذهن است نه این که مورد حتماً آن باشد شرکت تلفن را

برای مثال گفتیم که دارای يك اساس و مقرراتی است و شرایطی دارد که مطابق آن حقوق میگیرند مثل مالك فردی نیست که بگوئیم يك کسی صاحب يك تکه ملك است و هرکاری دلش میخواهد بکند میکند یا آنطوریکه آقای هزارجریبی اظهار کردند میخواهد مجازاتش بکند میخواهد نکند اولاً مؤسسات با مؤسسات انتفاعی است یا مؤسساتی است که تحت نظر خود دولت اداره میشود و خود دولت اداره میکند منتها با شرکت آن مؤسسه حالا اگر این عبارت کوتاه است ممکن است هر يك از آقایان که پیشنهادی دارند بفرمایند میرود در کمیسیون برای شور دوم یکی دیگر آقای عراقی صحبت هائی داشتند عراض من در این مورد مفهوم ندارد از باب تقریب به ذهن و تذکر است نه این که مخصوصاً آقایان در کار مؤسسات دخالت دارند مؤسسات را که همه اش را دولت اداره نمیکند مردم هم هستند آنها هم باید بکنند امور مملکت باید بشارکت و کمک مردم پیش برود و بلکه خیلی خوشوقت هم باشند که دولت در این صدد است که آنها را استحکام بدهد نه اینطور است که دولت بخواهد آنها را متلاشی بکند و مردم را بزحمت بیندازد این يك قدری ناشی از سوء ظن است حالا آن عبارتی را که میدانید نزدیک تر باین نظر است ممکن است آقایان پیشنهاد بفرمایند.

[۳- معرفی آقایان وزیر امور خارجه و کفیل وزارت جنگ از طرف آقای رئیس الوزراء]

رئیس - آقای رئیس الوزراء

رئیس الوزراء (آقای جم) - چنانکه خاطر آقایان مستحضر است در اول سال تغییرى دراعضاء هیئت دولت بعمل آمده و آقای سمعی (مدیر الدوله سابق) بسمت وزارت امور خارجه معین شده اند و باین سمت بمجلس شورای ملی معرفی میشوند (مبارک است - صحیح است) همچنین آقای سرلشکر امیر فضلی که یکی از صاحبمنصبان شایسته و سابق بسیار خوبی دارند و در لشکر در ماموریت های مختلف بودند بر حسب اراده ملکانه بسمت کفالت وزارت جنگ معین شده اند و باین سمت بمجلس شورای

ملی معرفی میشوند (صحیح است - مبارک است) [۴- بقیه شور لایحه مجازات جرائم مامورین مؤسسات عام المنفعه]

رئیس - رای گرفته میشود به ورود در شور مواد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول

ماده اول - مامورین بخدمات عمومی از حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی و از حیث صلاحیت دیوان جزای عمال دولت در حکم مامورین دولتی خواهند بود.

رئیس - ماده دوم.

ماده دوم - محاکمه اداری مامورین بخدمات عمومی مطابق نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء میرسد.

رئیس - ماده سوم

ماده سوم - مامورین بخدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات ذیل خدمات میکنند.

۱ - مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب وقف یا وصیت تولیت آنها با پادشاه عصر است.

۲ - مؤسسات خیریه که تحت نظارت مخصوص دولت است.

۳ - مؤسسات عام المنفعه که دولت مستقیماً اداره میکند یا تحت نظر دولت اداره میشود.

۴ - مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنده عرض راجع بماده دوم بود و در اینماده لازم میدانم که آقای وزیر عدلیه توضیحاتی بفرمایند در اینجا که مینویسد مؤسساتی که تحت نظارت مخصوص دولت است. این مامورین خالی از دو شکل نیستند با ممکن است از مستخدمین دولت باشند که برای يك کار هائی معین میشوند یعنی از طرف وزارتخانه

معین میشوند برای نظارت با عملیاتی البته عا کما آن ها مطابق قانون استخدام کشوری خواهد بود ولی اگر این مامورین مشمول قانون استخدام کشوری نباشند و مستخدم دولت نباشند و بموجب کنترات نامه وارد این خدمت شده اند همینطور که الان هم معمول است که در موسسات آورده اند برای خدمات اگر مطابق قرار و کنترات آنها را آورده اند برای خدمات همینطور که در ادارات دولتی مرسوم است اینجا عا کما اداری معنی ندارد اگر تخلفی کرد البته قرار دادشان لغو میشود و خسارت از آنها مطالبه میشود اینها استخدام رسمی ندارند که برای آنها نظامات و مقرراتی نوشته شود ولی اگر مستخدم هستند که البته برای مستخدم قانونی هست این بود که بنده اگر چه در کلیات صحبتها می راجع به آن ماده شد ولی خواستم که آقای وزیر عدلیه هم توضیحی فرمایند که در این نظامنامه چه نوشته خواهد شد اگر همانطور که آقای میرزائی فرمودند يك نظامات و مقرراتی برای وضعیت خدمت و ترفیع این قبیل مستخدمین در نظر بیاورند البته این ماده او را شامل نمیشود ولی در صورتیکه حقوقی برای آنها در ضمن يك مقرراتی منظور نیست چطور اینها مطابق يك مقرراتی عا کما میشود این را خواستم توضیح فرمایند

وزیر عدلیه - اولاً مامورین بخدمات عمومی غیر از مامورین دولت و مستخدم دولت هستند و اگر در يك مؤسسه بعضی از مامورین دولتی مشغول خدمت باشند این را فرض نفرمایند يك ناظری از طرف وزارت مالیه همیشه در بانك ملی است مستخدم دولت است و عا کما اول البته تابع قانون استخدام است چه از حیث جزائی و چه از حیث اداری فرق نمیکند در این جا منظور مستخدمین هستند که آن ها مستخدم رسمی دولت نیستند یعنی دارای رتبه در خدمت دولتی نیستند فرض کنید در بانك یا در جای دیگر با فرض فرمایند در آستان قدس مشغول خدمت است يك وظیفه می گیرد و يك خدمتی

میکند مثلاً محاسب است اگر خیانتی در حساب کرد اگر جنبه جزای عمومی دارد میخواهیم بگوئیم مثل مستخدمین دولت عا کما میشود کجا او عا کما میشود آن هم عا کما بشود و اگر يك تخلفات اداری کرد تخلفات اداری دو قسم است بعضی قسمتها مخصوص است بخصوصیات آن اداره که در ادارات دولتی آن خصوصیات پیدا نمی شود بعضیها هست مشترك است مثلاً تخلف از وظیفه همه جا مشترك است یا امتناع از وظیفه مشترك است یا بر خلاف مقصود عملی کردن از روی خیانت یا گرفتن رشوه یا اختلاس از صندوق مؤسسه بعضی قسمتهاش جزء جرائم عمومی می شود و بعضیهاش جزء جرائم اداری است ولی چیزی که هست نمیتوان این جا آن قانون استخدام اداری را در باره آنها اجرا کرد زیرا آن طرز خاص دارد مثلاً یکی از شرایط این است که وقتی يك مستخدم اداری را میخواهند عا کما کنند باید هم رتبه های او او را عا کما کنند ولی این چون اداره دولتی نیست ناچار باید بگوئیم که طرز تعقیب او بامر رئیس مؤسسه باشد یا با شرکت کسانی باشد که رتبه آنها از او بیشتر است اینها چیز هائی است مقرراتی است که از برای آن مخصوصاً باید نوشته شود و این را نمی شود قیاس کرد به مستخدمین دولت در قسمت جزای عمومی می شود قیاس کرد که جرائم همه جا معین است ولی در قسمت اداری چون بعضی فرقها پیدا میکند این است که محمول شده است بنظامنامه مخصوصی در هر حال مامورین به خدمات عمومی غیر از مستخدمین دولت هستند

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است که به عرض آقایان میرسد.
پیشنهاد آقای کاشف.

این جانب پیشنهاد می نماید که در فقره ۴ از ماده ۳ بعد از عبارت (تحت نظر) لفظ (مستقیم) اضافه شود و در آخر فقره جمله (با این معنی که هیئت مدیره یا کارکنان مؤسسه مستقیماً از طرف دولت انتخاب بشوند)

پیشنهاد آقای دکتر طاهری
پیشنهاد میشود فقره سوم و چهارم از ماده ۳ حذف شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

بنده پیشنهاد میکنم فقره (۲) ماده ۳ به شرح ذیل اصلاح شود:
۲ - مؤسسات خیریه که مؤسس آن دولت باشد یا اداره آن با دولت باشد.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در ماده اول بعد از عبارت مامورین بخدمات عمومی اضافه شود در مؤسسات مربوطه بدولت.
پیشنهاد آقای معدل

بنده پیشنهاد میکنم فقره ۲ ماده سه بطریق ذیل اصلاح شود.
۲ - مؤسسات خیریه که تحت اداره دولت است.
پیشنهاد آقای معدل

بنده پیشنهاد می کنم فقره ۴ ماده ۳ بشرح ذیل اصلاح شود:
۴ - مستخدمین مؤسسات انتفاعی دولت یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره میشود.

رئیس - میرود به کمیسیون آقایانیکه با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵- **تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه**
رئیس - آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - لایحه است از طرف آقای وزیر مالیه که چون تشریف نیاورده اند بنده تقدیم میکنم.
رئیس - به کمیسیون رجوع خواهد شد.

[۶- **شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بقانون مجازات عمومی**

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه برای شور اول راجع به قانون مجازات عمومی قرائت میشود.

لایحه نمره ۳۳۸۰۹ دولت که به عنوان قانون مجازات عمومی بمجلس شورای ملی پیشنهاد و به کمیسیون قوانین عدلیه ارجاع شده است با حضور آقای وزیر عدلیه در کمیسیون فعلی عدلیه تحت شور و مذاقه قرار گرفته پس از توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه در اطراف این قانون و جهات تغییر قانون فعلی مجازات بیان نمودند مواد

پیشنهادی مورد رسیدگی واقع و نظر بانک لایحه مزبور مشتمل بر ۲۵۲ ماده بود و رسیدگی بآن در یکی دو جلسه غیر ممکن و بعلاوه از نظر اهمیت آن لازم بود مواد پیشنهادی با وقت و مطالعه کاملی مورد تصویب واقع شود با موافقت آقای وزیر عدلیه کمیسیون این طور مقتضی دانست که هر چند ماده از لایحه مزبور را که رسیدگی مینماید راپورت آن را بمجلس تقدیم و همان طور هم بتدریج در مجلس رسیدگی و تصویب شود و لذا چند ماده از لایحه فوق الذکر که در جلسه اخیر کمیسیون بتصویب رسیده و اصلاحاتی شده است خبر آن را به عنوان راپورت شور اول تقدیم میدارد تا بتدریج بقیه مواد آن را هم رسیدگی و راپورت آنها را بعرض برساند.

رئیس - چون قانون طبع و توزیع شده است قرائت مواد ضرورت ندارد مذاکره در کلیات است. آقای عراقی.

عراقی - بنده همچو نظرم میرسد که يك وقتی در مجلس صحبت شد خواستم به بینم که حالا هم آقای وزیر عدلیه این نظر را دارند که این طور قوانین که تکه تکه بمجلس میآید و میکذرد وقتی که تمام آن تصویب شد به موقع عمل گذاشته میشود یا خیر.

وزیر عدلیه - همین طور است که آقای عراقی میفرمایند نظر ما هم همین است اینها بنظر بنده آمد که شور اولش در مجلس بشود شور ثانی هم که در کمیسیون شد آنوقت بیکر تبه میآید مجلس و بعد از اینکه تمام شد و تا آخرش تصویب شد آنوقت ابلاغ شود.

رئیس - آقای زوار.

زوار - بنده با هر قانونی که برای افراد این مملکت که در تحت تنظیم در آید موافقم بنا بر این از نقطه نظر مخالفت با قانون نبوده است که اجازه گرفته ام فقط بکما ده این جا است که ذهن بنده را متوجه کرد که توضیحاتی از آقای وزیر عدلیه بخوام در ماده ۱۲ مینویسد که ایرانی یا بیگانه که مرتکب یکی از جرائم بشود در این قسمت ایرانی یا بیگانه البته توضیحی بفرمایند که رفع این اشکال بشود گمان میکنم بهتر واضح میشود برای اینکه بیگانه اگر چنانچه در خارج مرتکب جنایتی شد این را چه طور میتوانیم

بر طبق قانون ایران تعقیب کنیم حالا ایرانی ممکن است چون مطیع قانون ایران است ولی بکنفر فرانسوی در پاریس مرتکب جرم شد این را چطور می شود جرم کرد.

وزیر عدلیه - موقعی که ماده خوانده شد بنده توضیح خواهم داد.

رئیس - رأی گرفته میشود برای ورود در شور مواد موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. ماده اول قرائت میشود.

قانون مجازات عمومی

کتاب اول و کلیات

باب اول - احکام قوانین جزائی

تفسیر و جرم

ماده ۱ - تفسیر عملی است که قانون برای آن مجازات معین کرده - عمل اعم است از فعل و ترک.

تفسیر بر سه نوع است - جنایت - جنحه - خلاف در اصطلاح قانون مجازات عمومی جرم عبارتست از جنایت و جنحه.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - راجع به این ماده با آنکه در کمیسیون عدلیه مذاکره شد بشکلی اشکالی بنظر بنده رسید که خواستم اینجا عرض کنم در ماده اول چند موضوع ذکر شده است از آنچه جمله چند اصطلاح است برای قانون مجازات عمومی که تفسیر را تعریف کرده است که تفسیر اعم است از جنایت و جنحه خلاف یعنی هر وقت کلمه تفسیر گفته شد صدق میکند باین سه کلمه ولی وقتی که کلمه جرم گفته شد مقصود فقط جنایت است و جنحه البته بک اصطلاحی است برای منظوری که گفته شده و الا در قانون مجازات عمومی که فعلاً در جریان است و قانون مجازات سابق کلمه جرم اعم بود از جنایت و جنحه و خلاف ولی این جا در حق کرده اند

آنجا اصطلاح کردیم که عملی را مرتکب شده باشد یا ترک کرده باشد منظور ما از عمل اعم است این صدق میکنند بر ترک این نکته هم باید رعایت شود و شاید بیان آقای دکتر جوان هم برای این بود که بنده توضیح بدهم این جا که ترک مطلق و عدم مطلق جرم نیست و هیچوقت منشأ هیچ جرمی نمیشود عدم مطلق مقصود عدمی است که وظیفه دار باشد به فعل مثال میزنم بنده در احکام شرعی يك واجب داریم که هر کس باید آن را بجا بیاورد وقتی که ترک کرد یعنی ترک عملی را کرده است که باید بکند این باید مجازات شود یا فعلی را بکند که آن فعل منهی است یا محرم است به اصطلاح قانون شرعی اگر کسی سرق کرد مجازاتش این است این يك فعل وجودی است و اگر ولی طفل خود داری کرد در محافظت طفل تا اینکه افتاد در آب و غرق شد یا سگ او را درید در حالی که میتوانست جلوگیری کند و نکرد این نکردن ترک است ما این ترک را میگوئیم مجازات دارد و چنین نیست که اینجا در این ماده اول گفتیم تفسیر آن عملی است که قانون برای آن مجازات مقرر کرده و عمل اعم است از فعل یا ترک یعنی ترکی که قانون برای او مجازات معین کند آن تفسیر است و آن ترک هم عملی است که ترک وظیفه باشد و ترک فعل لازم باشد که باید انجام کند و نکرده است پس آن ترک قابل مجازات است در واقع جنبه وجودی دارد نه عدم صرف اما آن قسمت که يك تقریباً تناقض و شائبه تناقض در این عبارت باشد که عمل اعم است از فعل یا ترک البته نظرتان هست که در کمیسیون مذاکره شد که تفسیر اعم است از فعل یا ترک یعنی اینطور بود که تفسیر فعل یا ترکی است که قانون از برای آن مجازات معین کرده است من فکر کردم بدیدم این خوب نیست برای آن که ممکن است ضمیر برگردد به عمل باید آنوقت بگوئیم برای آن عمل یا ترک مجازات معین کرده اند و از سلاست قانون می افتد و خوب نمیشود و با این توضیحی که عرض کردم که ترک عدم صرف نیست و در واقع جنبه وجودی

دارد ضرری ندارد که آن را هم اصطلاحاً عمل بگوئیم. **رئیس** - ماده دوم قرائت میشود (تشخیص انواع تفسیر)

ماده ۲ - تشخیص هر يك از جنایت و جنحه و خلاف باعتبار مجازاتی است که قانون برای عمل مقرر داشته. **رئیس** - ماده سوم قرائت میشود: صراحت قانون

ماده ۳ - هیچکس را نمیتوان برای ارتکاب عملی که بموجب قانون تفسیر شناخته نشده مجازات نمود.

مجازات نیز باید بموجب صریح قانون باشد.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود

تأثیر قانون زمان ارتکاب و قانون متاخر

ماده ۴ - هیچکس را نمیتوان برای ارتکاب عملی که بموجب قانون در زمان ارتکاب تفسیر محسوب نمیشده مجازات نمود

رئیس - آقای عراقی.

عراقی - این جا مینویسد هیچکس را نمیتوان برای ارتکاب عملی که بموجب صریح قانون تفسیر شناخته نشده مجازات کرد. بنده تصور میکنم که احتیاجی باین قسمت نبود برای اینکه ما يك قسمت کلی داریم که قانون عطف بمسابق خودش نمیشود این يك عبارت زائیدی بنظر میاید حالا اگر در نظر دارند آقای وزیر عدلیه ممکن است بفرمایند والا بنده عرضی ندارم در هر حال همان بیان کلی کافی است که قانون عطف بمسابق خودش نمیشود اگر چیز را قانوناً مجازات برایش حالا معین میشود ولی سابق براین برایش مجازات نبوده است این لزومی ندارد این بحث وارد میشود در تحت این عنوان که قانون عطف بمسابق نمیشود و بنده خیال میکنم که دیگر محتاج باین عبارت نیست.

وزیر عدلیه - آقای عراقی اجازه میفرمایند که از شان بپرسم که قانون عطف بما سبق نمیشود در کجا تصریح شده و کدام قانون است؟ (عراقی - عمل) عمل که مرکز

در ذممتان است ولی مرکز در ذممه را باید نوشت در قانون مدنی
عکس این عمل است در قانون مدنی امور گذشته را هم تابع
قانون مدنی قرار داده است پس چون عمل اینطور بوده
است بهمین جهت در این قانون باید نوشته شود و تصریح
شود که کسی را نمیتوان برای ارتکاب عملی که بموجب
قانون متأخر تقصیر محسوب میشود با استناد این قانون
مجازات نمود (نمایندگان - صحیح است)

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:
(تأثیر قانون اخف)

ماده ۵ - اگر قانون زمان ارتکاب با قانون متأخر
مختلف باشد قانونی که مقررات آن نافع تر بحال مقصر
است مجری خواهد شد مگر آنکه قبلاً حکم صادر و قطعی
شده باشد.

رئیس - ماده ششم قرائت میشود.

استثناء از مقررات دو ماده قبل

ماده ۶ - مقررات ماده قبل و قسمت اخیر ماده ۴ در
مورد قوانین استثنائی که برای مواقع غیر عادی از نظر
مصلح دولت تصویب میشود و همچنین در مورد قوانین
موقت اعمال نمیکردد.

رئیس - آقای نقابت

نقابت - راجع بماده ۶ بنده مختصری عرض داشتم که
اهمیت موضوعی داشت در کمیسیون هم عرض کردم و
توضیحات مرسوم آقای وزیر عدلیه بیان فرمودند که
اقتضا داشت اینجا هم تکرار شود و آن این است که يك
کلیاتی است که هند نظور که فرمودند مرکز خاطر است
و از نقطه نظر اصول قانونی هم قابل رعایت میباشد از
قبیل اینکه هیچ قانونی عطف بما سبق نمیشود یا از
نظر مجازات قانون اخف همیشه قابل رعایت بحال متهم
است یا هیچکس را نمیشود تعقیب کرد مگر بموجب قانون
اینکه يك کلیاتی است در قوانین جزائی و همه علمای
حقوقی هم به آن توافق دارند و در قوانین هم ذکر میشود

برط باوست ذکر شود خیلی اتفاق افتاده است
است هیچ چیز را هم نباید مبهم گذارد و باید
را هم معین کرد وقتی که میخواهیم بگوئیم
بجز عادی قانون اشد اجرا میشود باید در يك
مطلب را تصریح کنیم تا مرجع ما باشد اعم
از اینکه در زمان غیر عادی وضع میشود تصریح
این اشد بشود یا نشود و این مرجع را مادر
باشیم کافی است.

آقای دکتر طاهری

رئیس - بنده خواستم يك توضیحی داده شود
در حساب اختیارات کمیسیون عدلیه اجرا میشود
ایش است آنها هم جزو قوانین موقت محسوب
میشود که این قوانین موقت محسوب می شود که آنوقت
بماده میکنند و تقریباً استفاده از دو ماده قبل
استثنائی باشد اینجا باید توضیح بدهند

رئیس - البته آنها را شامل نیست آن قوانین اسمش
است نهایت ما میگوئیم قوانین موقتی و مدنی
را نیست اما اینجا مقصود موقت یعنی قانونی
نوشته میشود که تا ششماه فرض بفرمائید و
است منظور این بود

رئیس آقای رضای افشار وزیر اسبق طرق

خبری از کمیسیون قوانین عدلیه رسیده است
از جاع خبر کمیسیون عرایض بکمیسیون
مؤثر بموافقت بان تعقیب رضای افشار وزیر اسبق
باز در زمان وزارت طرق خود شده اند

کمیسیون عدلیه سو کمیسیونی برای تعقیب قضیه انتخاب
سو کمیسیون مزبور تحقیقاتی از رضای افشار و عیسی کورس
مدیر تجار تخانه کورس و اخوان و سایرین بعمل آورده و پس
از مواجهه آنها بایکدیگر و اظهارات مختلف رضای افشار
که در دوسیه مربوطه ضبط است را یرت خود را دائر
بمجرمیت ایشان تهیه و بکمیسیون تقدیم داشته و کمیسیون
عدلیه پس از مراجعه بدوسیه تحقیقاتی و دلایل مربوطه از
آنجائیکه تصدیق مینماید که رضای افشار مبلغ (۳۲۰۰۰)
ریال بعنوان صدی دو معاملات و وزارت طرق با تجار تخانه
کورس و اخوان از تجار تخانه مزبور بدو قسط اخذ نموده
مشار الیه را در حدود قانون مجازات ارتشاء مصوب تیر ماه
۱۳۰۷ قابل تعقیب جزائی دانسته و اینک راپرت مشروح
سو کمیسیون را بضمیمه دوسیه امر تقدیم میدارد که در حدود
مقررات قانون اقدام فرمایند

رئیس - بدیوان تمیز ارجاع خواهد شد چون شعب
چهار و پنج و شش نمایندگان خودشان را معین نکرده اند
برای کمیسیونهای عرایض و مبتکرات خواهش میشود که
امروز نمایندگان خودشان را معین کنند و این انتخاب
را تسریع کنند

[۸ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم
(صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه اول اردیبهشت
ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده
(مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری